



چرا کبر باعث سقوط انسان می شود/ راه رهایی از کبر چیست

بدترین رذیله های اخلاقی است و فرد متکبر بدون شک سقوط می کند، همانطور که تکبر ابلیس را با شش هزار سال عبادت به ورطه نابودی کشاند...

"کبر" از بدترین رذیله های اخلاقی است و فرد متکبر بدون شک سقوط می کند، همانطور که تکبر ابلیس را با شش هزار سال عبادت به ورطه نابودی کشاند و از درگاه خدا دور کرد. به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از چهره های زشت و منفور اخلاقی که انسان را به هلاکت می رساند تکبر است، که از گناهان بزرگ شمرده می شود و قرآن مجید بر آن وعده عذاب داده است. سرچشمه اصلی کفر و انحراف و گناه بیش از همه کبر و غرور و عدم تسلیم در برابر حق است. هر کبری عامل سقوط انسان است، خواه تکبر در مقابل خداوند یا پیغمبر و امام، یا مردم. نمونه آن را خداوند در قرآن مجید در سوره ص، آیات 71 تا 74 بیان فرموده است: و به خاطر بیایور هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من آفریننده بشری از گل هستم که او را نظام بخشیده و از روح خود در آن دمیدم، پس برای او سجده کنید. سپس همه فرشتگان سجده کردند، مگر ابلیس، که برتری جست و تکبر ورزید و در زمره کافران قرار گرفت.

همچنین، علل سربلندی ابلیس از سجده کردن بر آدم را ذکر کرده و در سوره ص آیه 75 می فرماید: گفت ای ابلیس! چه چیز مانع شد تو را از سجده کردن بر مخلوقی که با قدرت خویش او را آفریدم؟ آیا تکبر ورزیدی یا احساس برتری نمودی و خود را بالاتر دانستی از این که فرمان سجود به تو داده شده. پس ابلیس در جواب (سوره ص آیه 76) گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریده ای و او را از گل.

در اینجا باید گفت که چگونه شیطان آتش و گل را با هم مقایسه کرد که این قیاس نابجا بالاترین گناه در اوامر الهی است و نشانگر آن است که ابلیس اولین کسی بود که این گناه عظیم را مرتکب شده و نتوانست نورانیت و روحانیت آدم را با نورانیت آتش درست تشخیص دهد و تفاوت آن دو را دریابد. از این آیات به خوبی روشن می شود که تمام بدبختی شیطان مولود تکبر او بود. این برتری بینی او، که خود را درمقامی بیش از آنچه شایسته آن بود قرار داد، سبب شد که نه تنها بر آدم سجده نکند، بلکه علم و حکمت خدا را انکار نماید و به فرمان او خرده گیرد و سرانجام تمام مقام و حیثیت خود را از دست بدهد و به جای بزرگی، پستی و ذلت را برای خویش بخرد؛ یعنی نه تنها به هدف نرسید، بلکه درست در جهت عکس آن قرار گرفت.

در نهج البلاغه از امیر المومنین علیه السلام به هنگام نکوهش کبر و خود برتری بینی چنین می خوانیم: شیطان از درگاه الهی رانده شده و او کسی بود که شش هزار سال خدا را عبادت و پرستش نموده بود و البته معلوم نیست از سالهای دنیا یا از سال های آخرت بوده و این انحطاط به خاطر يك لحظه تکبر در برابر دستور خدا بود.

این پند و عبرت برای ما عبادت کنندگان است، که به آنچه خداوند با ابلیس رفتار کرد، در آن هنگام که اعمال و عبادت طولانی و کوشش و تلاش های او را که شش هزار سال بندگی خدا کرده بود و به خاطر لحظه های تکبر ورزیدن برباد داد، پیش نیاید. يك نمازگزار چندین سال نماز بخواند و در جامعه به عنوان نمازگزار مطرح باشد، به خاطر تکبر که سرچشمه گناه و معصیت پروردگار است، دست از نماز بردارد.

یکی از راههایی که می توان با کبر مبارزه کرد و آن را از بین برد و تواضع را به جای آن جایگزین کرد، نماز است. به همین خاطر هم تو صیه به زیاد نماز خواندن شده است، زیرا در نماز اسراری است که آن را به عنوان ستودن دین مطرح ساخته است.

خداوند در عبادت اسراری قرار داده که همه آنها از روی حکمت است. اگر انسان پرده حجاب را کنار بزند، اسرار عبادت را می بیند. به عنوان نمونه در حج دستور داده شد که سر تراشیده شود تا انسان را از غرور و تکبر پاک گرداند، یا وضو بگیرد برای آن که پاک شود، یا تیمم کند، برای این که از غرور و منیت و انانیت پاک شود، یا در نماز می گوید رکوع کن تا به نهایت خضوع برسی، یا به سجده برو و پیشانی خو را به زمین بگذارد، و بهترین فرصت درحالات نماز همان سجده است. که امام صادق علیه السلام فرمود: انسان هر چه به خاک نزدیک می شود به خدا نزدیک تر می شود.

پس نماز یکی از اسرارش کبر زدایی می باشد. هیچ دشمنی بدتر از دشمن درونی نیست، هیچ آلودگی بدتر از پلیدی نفس نیست و هیچ صفت رذیله اخلاقی بدتر از تکبر نیست. لذا تمام این عبادتها برای این است که انسان از راههای مختلف از غرور و منیت و خودخواهی رهایی یابد. همه دستورات دین برای تطهیر است، انسان نماز می خواند برای آن که از کبر و خود پسندی پاک شود.

نماز خودبيني و تكبر را در هم مي شكند و درس تواضع در برابر خدا مي آموزد، زيرا انسان در هر شبانه روز در هفده ركعت نماز واجب 34 بار پيشاني بر خاك و زمين مي نهد و به سجده مي افتد كه سمبل نهايت تواضع است و در سجده خودش را همچون پر كاهي در ميان اقيانوسي بزرگ مي نگرد، بلكه صفري در برابر وجود بي نهايت خدا مي بيند و به اين ترتيب خود را بنده كوچك و ناچيز خدا دانسته و هر گونه خود خواهي و غرور را از خود دور مي سازد.